

ارائه مدل علی گرایش به طلاق مردان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره بر اساس باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی با نقش واسطه‌ای عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی*
ابوالفضل حسینی قیداری^۱، محمود گودرزی^۲، حمزه احمدیان^۳، یحیی یاراحمدی^۴

Presenting a causal model of divorce in married men referred to counseling centers based on irrelevant communication beliefs and individual differentiation with the mediating role of sexual function and marital frustration

Abolfazl Hosseini Ghidari¹, Mahmoud Goodarzi², Hamzeh Ahmadian³, Yahya YarAhmadi⁴

چکیده

زمینه: باورهای غیر منطقی ارتباطی، تمایز یافتگی فردی و سرخوردگی زناشویی از عواملی است که باعث به وجود آمدن گرایش طلاق در مردان می‌شود. اما مسئله اصلی اینست آیا بین باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی با واسطه‌گری عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی با گرایش به طلاق مردان رابطه معنی داری وجود دارد؟ هدف: ارائه مدل علی گرایش به طلاق مردان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره بر اساس باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی با نقش واسطه‌ای عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی بود. **روش:** پیمایشی از نوع همبستگی و تحلیلی بود. جامعه آماری شامل کلیه مردان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره در سراسر شهر تهران بود، به روش نمونه گیری تصادفی در دسترس تعداد ۲۴۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار عبارتند از: پرسشنامه‌های استاندارد شده باورهای ارتباطی آدیلسون و اپشتاین، تمایز یافتگی فردی (۱۹۸۲)، عملکرد جنسی مردان (FSEI) روزن و همکاران (۲۰۰۰)، سرخوردگی زناشویی نیهویس و بارتل (۲۰۰۶) و گرایش به طلاق روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸۶). داده‌ها با استفاده از آزمون‌های رگرسیون چند گانه و تحلیل مسیر تحلیل شد. **یافته‌ها:** مؤلفه‌های باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی با نقش واسطه‌ای عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی در گرایش به طلاق مردان رابطه دارد ($p < 0/05$). **نتیجه گیری:** کاهش سرخوردگی زناشویی و باورهای غیرمنطقی ارتباطی می‌توانند در کنار افزایش تمایز یافتگی فردی و عملکرد مناسب جنسی مردان در کاهش گرایش به طلاق مردان دارای مشکل زناشویی، تأثیر مثبتی بگذارند. **واژه کلیدها:** گرایش به طلاق، باورهای غیرمنطقی ارتباطی، تمایز یافتگی فردی، عملکرد جنسی، سرخوردگی زناشویی، مردان

Background: Communication irrational beliefs, individual differentiation, and marital frustration are factors that cause divorce in men. But the main question is whether there is a meaningful relationship between irrational beliefs and differentiation mediated by sexual function and marital frustration with the tendency to divorce men? **Aims:** To present a causal model of divorce tendency of married men referred to counseling centers based on irrational communication beliefs and individual differentiation with mediating role of sexual function and marital frustration. **Method:** This was a correlational and analytical survey. The statistical population consisted of all married men referring to counseling centers throughout the city of Tehran. A sample of 240 individuals was selected by random sampling method. The instruments are: Adelson & Epstein Communication Standardized Beliefs Questionnaire, Individual Differentiation (1982), Rosen et al. (2000), Men's Sexual Function (FSEI), Nihuis & Bartel Marital Disappointment, and Roosevelt, Johnson & Divorce Tendency Moreau (1986). data were analyzed using multiple regression and path analysis. **Results:** The components of irrational beliefs about communication and individual differentiation were correlated with the mediating role of sexual function and marital frustration in the tendency to divorce in men ($p < 0/05$). **Conclusions:** Reducing marital frustration and irrational communication beliefs can have a positive effect along with increasing individual differentiation and sexual function of men in decreasing divorce tendency of men with marital problems. **Key Words:** Divorce tendency, irrational communication beliefs, individual differentiation, sexual function, marital frustration, men

Corresponding Author: mg.sauc@gmail.com

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نویسنده اول است.

^۱ دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

^۱ Ph.D Student of Counseling, Counseling Department, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

^۲ استادیار، گروه مشاوره خانواده، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ Assistant Professor, Department of Family Counseling, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran (Corresponding Author)

^۳ استادیار، گروه روانشناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

^۳ Assistant Professor, Department of Psychology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

^۴ استادیار، گروه روانشناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

^۴ Assistant Professor, Department of Psychology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

پذیرش نهایی: ۹۸/۱۱/۲۸

دریافت: ۹۸/۱۰/۱۱

مقدمه

طلاق شوند (آماتو، ۲۰۱۰). میزان ازدواج و طلاق ثبت شده در مرکز آمار ایران بیانگر این نکته است که در سال‌های اخیر رشد طلاق همواره از میزان رشد ازدواج پیشی گرفته است (ابراهیمی سیریزی، افشانی و حسنی درمیان، ۱۳۹۷). با مروری بر آمار طلاق در طی سال ۱۳۹۴-۱۳۹۵. هم اکنون ایران از نظر آمار طلاق در رتبه چهارم دنیا قرار دارد. روزانه ۲۰۰۰ نفر به مجتمع قضایی خانواده مراجعه می‌کنند که از میان ۵۰۰ تشکیل پرونده در هر روز ۸۵ درصد مربوط به درخواست طلاق است (فروتن و جدید میلانی، ۱۳۸۷). سازمان ثبت احوال ایران آمار ازدواج و طلاق سال ۱۳۹۶ را منتشر کرده است. براساس این آمار تعداد ازدواج‌های ثبت شده نسبت به سال ۱۳۹۵ حدود ۸٪ کاهش داشته در حالی که تعداد طلاق به حدود ۱۷۵ هزار مورد رسیده است که بیشترین آمار ثبت شده در تاریخ ایران است (موسوی چلک، ۱۳۹۸).

متغیرهای زیادی می‌توانند بر کیفیت رابطه زن و شوهر تأثیر منفی گذارده و باعث تقلیل کیفیت این رابطه و در نتیجه ایجاد فرسودگی زناشویی و گرایش به طلاق در بین زوجین شوند که در این میان می‌توان به فاکتورهای شناختی و جسمانی مهمی همچون باورهای ارتباطی، تمایز یافتگی فردی، سرخوردگی زناشویی و روابط جنسی زوجین اشاره کرد. یکی از مهمترین عواملی که می‌تواند در گرایش زوجین به طلاق نقش داشته باشد. باورهای ارتباطی^۴ می‌باشد. باورهای ارتباطی نامطلوب، موجب می‌شود که مسائل مهم رابطه، حل نشده باقی مانده و لذا این مسائل، غالباً منبع تعارض‌های تکراری شوند. خیلی از زوجین همیشه بحث‌هایی مشابه یا یکسانی پیرامون یک موضوع معین دارند، بدون اینکه مشکل را حل کنند (هالفورد، ۱۳۸۴). دیدگاه شناختی ارتباط کارآمد یا غیر کارآمد همسران را به شیوه تفکر متفاوت آنها نسبت به اعمال و رفتارشان نسبت می‌دهند. آلیس معتقد است که نگرش‌ها و تصورات غیر منطقی افراد می‌تواند در ایجاد رابطه عاطفی ناکارآمد همسران و نارضایتی آنان (از روابط زناشویی) نقش بسزایی ایفا کند (اسماعیل پور، خواجه و مهدوی، ۱۳۹۲). باورهای ارتباطی در صورتی می‌توانند موجب ارتقای سلامت روانی در افراد شوند که سازش یافتگی افراد در روابطشان را تسهیل کنند. بر عکس، باورهای ارتباطی غیر منطقی، عقاید خشک و نامعقول در مورد خود فرد و ارتباط با دیگران تعریف شده‌اند

یک جامعه سالم، وابسته به تشکیل خانواده‌های پایدار، پویا و با نشاط است. یکی از شرایط محیط ایمنی بخش، وجود یک خانواده مستحکم، گرم، صمیمی و دارای احترام متقابل است به گونه‌ای که راحتی و آسایش همسران و اعضای خانواده را در پی داشته باشد، از طرفی دیگر، استواری و استحکام خانواده به ازدواج^۱ و رابطه زناشویی^۲ پایدار و بنیادین بستگی دارد. در حقیقت یکی از مهمترین عواملی که بر بقا و دوام و رشد خانواده اثر می‌گذارد، روابط سالم و مبتنی بر سازگاری و تفاهم بین اعضا به ویژه زن و شوهر است. اما هرگونه تزلزل و سستی در رضایت زناشویی و یا وجود یک ازدواج ناموفق علاوه بر آن که آرامش روانی زوجها را مختل می‌کند؛ بقاء و دوام خانواده را نیز در معرض تهدید و آسیب قرار می‌دهد (منصور و ادیب زاده، ۱۳۸۳؛ به نقل از عباسی، ۱۳۹۶). بنابراین آسیبهای خانواده از امور مهم برای توجه است. یکی از مهمترین آسیب‌های خانوادگی افزایش گرایش به طلاق^۳ است (بخارایی، ۱۳۸۶).

طلاق یک معضل اجتماعی است که زندگی افراد درگیر را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد. طلاق نه تنها سبب گسیختن پیوندهای زناشویی می‌شود، بلکه غالباً سبب از هم پاشیدگی و آسیب دیدگی روابط بین والدین و کودک نیز می‌گردد (هترینگتون، ۱۹۸۹؛ به نقل از رضایی، ۱۳۸۶). طلاق در بردارنده هزینه‌های انسانی اجتماعی و اقتصادی عظیمی است که با عدم سلامت، اختلال عاطفی، اعتیاد و فقر خانوادگی رابطه دارد (برناردز، ۱۳۸۴). در ایران نیز به دلیل باورهای فرهنگی، طلاق در استرس و رفتارهای روانی - اجتماعی نسبت به کشورهای خارجی دارای رتبه بالاتر می‌باشد و این می‌تواند حاکی از آسیب‌زایی شدیدتر وقوع این رویداد در فرهنگ ایران باشد (دیواندری، ۱۳۷۸). بررسی آمار طلاق در ایران حکایت از افزایش این واقعه طی ده سال اخیر دارد. به عبارتی در طول یک دهه اخیر پدیده طلاق حدود ۱۸ برابر شده است (فتحی، ۱۳۹۶). با افزایش سریع طلاق، پژوهشگران و روانشناسان بیش از پیش به اهمیت این واقعه پر استرس و علل ایجاد کننده آن در زندگی زناشویی پی برده‌اند. پژوهشگران معتقدند عوامل گوناگونی در سطوح فرد، خانواده و جامعه به تفکیک و نیز در تعامل با یکدیگر بر رابطه بین زوجین اثر گذاشته و ممکن است منجر به افزایش گرایش آنها به سمت

3. Divorce

4. relationships beliefs

1. Marriage

2. Elation marriage

که سطوح پایین تمایز یافتگی پیش‌بینی کننده اضطراب و نشانه‌های روانشناختی بالا در زوجین و خانواده است. اسکورون (۲۰۰۰) نشان داد که افراد عادی نسبت به افراد متقاضی طلاق از نظر میزان تمایز یافتگی در سطح بالاتری هستند. در همین رابطه مطالعه صمدی (۱۳۹۴) نشان داد که مؤلفه‌های تمایز یافتگی مثل گسلس عاطفی بهترین پیش‌بینی طلاق است. محسنیان، کرملو و گنجوی (۱۳۸۶) دریافتند که میزان تمایز یافتگی زوجین متقاضی طلاق نسبت به زوجین عادی در حد پایین‌تری قرار دارد.

متغیری دیگری که در گرایش به طلاق تأثیر دارد، عدم رضایت از عملکرد جنسی زوجین در رابطه زناشویی می‌باشد. چرا که استحکام روابط زناشویی بدون داشتن روابط جنسی رضایت بخش به خطر می‌افتد (اصغری، ۲۰۰۲). محققین معتقدند که عملکرد جنسی رضایت بخش می‌تواند در بدست آوردن یک فرهنگ استوار نقش مهمی داشته باشد (جهانفر و مولایی‌نژاد، ۲۰۰۲). بنابراین یکی از مهمترین عوامل خوشبختی در زندگی زناشویی و کیفیت زندگی خوب، روابط لذت بخش جنسی است، زیرا رضایت بخش نبودن روابط جنسی سبب ایجاد احساس محرومیت، ناکامی و عدم ایمنی در همسران می‌شود (کمبل، اسکینر و هایمن، ۲۰۰۰). این محرومیت جنسی می‌تواند در نهایت موجب طلاق و از هم گسستگی زندگی زناشویی گردد (آقامحمدیان، رضا قلیزاده، عوضی و پشتیبان، ۱۳۸۲). شواهد حاکی از آن است که ۵۰ درصد طلاق‌ها در زوجین ناشی از نارضایتی جنسی است (شاه حسینی، گردشی، پوراصغر و صالحی، ۲۰۱۴). در ایران نیز ۵۰ درصد از طلاق‌ها ناشی از مشکلات جنسی بین زوج‌ها می‌باشد (رفیعی شیرپاک، چینی‌چیان، افتخار و رمضانخانی، ۲۰۱۰).

عوامل متعددی روابط زناشویی بین زوجین را در گذر زمان تهدید می‌کند و سبب فرسایش عشق و صمیمیت میان همسران می‌گردد و یکی از این عوامل، تأثیر توقعات و انتظارات می‌باشد، توقعاتی که به دنبال عشق رؤیایی به وجود می‌آید، همیشه جزیی از اعتقادات شخصی است. این توقعات ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه، آشکار یا پنهان، فردی یا دوطرفه باشد (پیرفلک، سودانی و شفیع آبادی، ۲۰۱۴). هنگامی که توقعات عاشقانه محقق نشود،

(حمامچی، ایسن و کوبان، ۲۰۱۰). طبق تعریف ایدلسون و اپستین (۱۹۸۲) منظور از باورهای ارتباطی، دیدگاهی است که زوجین نسبت به رابطه زناشویی خود دارند و آن را به عنوان حقیقت پذیرفته‌اند. ایدلسون و اپستین (۱۹۸۲) با توسعه ارزیابی باورهای غیرمنطقی، پنج باور ارتباطی غیر منطقی شامل باور تخریب کنندگی مخالفت^۱، توقع ذهن خوانی^۲ باور به عدم تغییر پذیری همسر^۳، کمال گرایی جنسی^۴، باور به تفاوت‌های جنسیتی^۵ را که در روابط زناشویی سهیم هستند، مشخص کردند (دهقان طرزجانی، ۱۳۹۵) نتایج تحقیق حمامچی (۲۰۰۵) نشان داد که افراد با باورهای مخرب بیشتر، تعارضات زناشویی بیشتری را در روابطشان تجربه می‌کنند. تفکرات غیر منطقی با سازش یافتگی زناشویی نیز رابطه منفی معناداری دارد (حمامچی، ۲۰۰۵؛ به نقل از امین، ۱۳۹۳).

از علل دیگر گرایش به طلاق، تمایز یافتگی می‌باشد. تمایز یافتگی یکی از مفاهیم کلیدی نظریه نظام‌های خانواده درمانگری بوئن است که در روابط بین فردی نقش مهمی ایفا می‌کند. بوئن (۱۹۷۸) تمایز یافتگی خود را به عنوان درجه‌ای که در آن فرد قادر است بین کارکرد عقلانی - هیجانی و صمیمیت - خودمختاری در روابط تعادل برقرار کند، تعریف می‌کند. طبق نظر وی، سطح تمایز یافتگی فرد در بین خانواده مبدأ رشد می‌کند و به شدت تحت تأثیر پویایی‌ها و تعاملات بین اعضای خانواده قرار دارد و زندگی آینده فرد تأثیر می‌گذارد. متأسفانه بسیاری از زوجین به دلیل امتزاج شدیدی که با خانواده مبدأ خود دارند. این مجال و اجازه را به آنها می‌دهند که از همان روزهای اول زندگی مشترکشان در زندگی زناشویی آنها مداخله کنند. بطوری که هرچه امتزاج فرد با خانواده مبدأ بیشتر باشد، احتمال اضطراب و بی‌ثباتی بیشتر خواهد بود و تمایل خانواده برای یافتن راه‌حل از طریق جنگ و نزاع، فاصله‌گیری و اختلال در عملکرد نیز بیشتر خواهد شد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۲). به طور کلی به نظر می‌رسد مفهوم تمایز یافتگی خود با حوزه‌های متنوعی از عملکرد روانشناختی از جمله آشفتگی در روابط مرتبط باشد (اسکورون، ۲۰۰۰). افراد تمایز یافته در زندگی زناشویی خود با مشکلات کمتری روبرو هستند (منبع پیشین). اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸)، به نقل از امانی، یوسفی و فنایی، (۱۳۹۵) نشان دادند

4. sexual perfectionism

5. the sexes are different

1. disagreement is destructive

2. mind reading is expected

3. partners cannot change

بنابراین با توجه به بیان مشکلات موجود در زندگی زناشویی زوجین و بررسی عواملی از قبیل باورهای ارتباطی، تمایز یافتگی، سرخوردگی زناشویی و عملکرد جنسی در گرایش مردان به طلاق، هدف مقاله حاضر تبیین گرایش به طلاق مردان براساس دو متغیر تأثیرگذار باورهای غیرمنطقی ارتباطی و میزان تمایز یافتگی پایین زوجین، با نقش واسطه‌ای سرخوردگی زناشویی و عملکرد جنسی ناموفق می‌باشد. با توجه به اینکه در پژوهش‌های قبلی رابطه بین متغیرهای ذکر شده اکثراً به صورت منفرد و دوجه دو بررسی شده است، بنابراین محققین پژوهش حاضر در صدد هستند در قالب مدل، هم اثرات مستقیم و هم اثرات غیرمستقیم متغیرها را در گرایش به طلاق مردان مورد واکاوی قرار دهند تا بلکه در پرکردن خلاء موجود در خصوص متغیرهایی که می‌توانند در کاهش طلاق بطور مستقیم و غیرمستقیم مؤثر باشند. نقشی ایفا کرده و موجب افزایش رضایت زناشویی و کیفیت زندگی زوجین باشد. نتایج این پژوهش می‌تواند برای برنامه ریزان آموزش مسئولان خانه‌های سلامت، کلینیک‌های مشاوره، روانشناسی و دیگر نهادهایی که مسئولیت سلامت جامعه را برعهده دارند، مورد مطالعه و متمرکز واقع شود. برخی پژوهش‌هایی که تا حدودی با موضوع پژوهش حاضر نزدیک هستند، عبارتند از، نتایج بهمنی، اعتمادی، احمدی و فاتحی‌زاده (۱۳۹۶) نشان دهنده آن بود که سرخوردگی زناشویی تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای مداخله‌گر، روانشناختی و تمایزات شخصیتی قرار دارد. بنابراین توجه به عوامل مختلف سرخوردگی زناشویی در مشاوره و درمان زوجین دارای این اختلال ضروری است. در نتیجه سرخوردگی زناشویی یکی از مهمترین عوامل اثرگذار در گرایش به طلاق می‌باشد که خود ناشی از عوامل شخصیتی و روانشناختی زوجین می‌باشد. بهمنی، اعتمادی، احمدی و فاتحی‌زاده (۱۳۹۷) در پژوهش دیگری دریافتند، مشاوره زوجی مبتنی بر مدل سرخوردگی کایزر می‌تواند در کاهش سرخوردگی زناشویی اثربخش باشد. از اینرو، این شیوه مشاوره زوجی می‌تواند به نحو مؤثری توسط متخصصین حوزه خانواده جهت درمان سرخوردگی زناشویی مورد استفاده قرار بگیرد. یافته‌های پژوهش فراهانی (۱۳۹۷) نشان داد، شناخت هر چه بیشتر نسبت به خود و نیز دلسوزی و شفقت به خود می‌تواند اثر سرخوردگی زناشویی و سردی رابطه زناشویی را بر طلاق عاطفی تا حد زیادی تعدیل کند.

احساس ناکامی و سرخوردگی به طور مستقیم به همسر نسبت داده می‌شود و سبب تحلیل رفتن عشق و تعهد می‌گردد و دلزدگی^۱ و سرخوردگی زناشویی^۲ جای عشق را می‌گیرد (پینز ۲۰۰۲). سرخوردگی زناشویی، کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی همسر است که با احساس بیگانگی، بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی زوجین به یکدیگر و جایگزینی عواطف منفی به جای عواطف مثبت همراه می‌باشد (راینز و فلورز ۲۰۰۶). این سرخوردگی زناشویی در نوع شدید، منجر به فروپاشی رابطه می‌شود (کریم، کریمی و دهقان، ۲۰۱۵). مفهوم سرخوردگی به طور خاص به حالت عاطفی ازدواج (احساس علاقه، توجه و عاطفه نسبت به همسر) اشاره می‌کند، نه به رفتارهای واقعی همسر. زوجین ممکن است در میزان سرخوردگی زناشویی‌شان متفاوت از یکدیگر باشند. در بعضی موارد دو طرف سرخوردگی را تجربه می‌کنند، در حالی که در موارد دیگر سرخوردگی تنها در مورد یک فرد است، در حالی که طرف مقابل علاقه‌مند به اوست. در یک ازدواج سرخورده احساسات منفی مانند آسیب و خشم رو به افزایش است تا این که به یک حالت سردی و گرایش به جدایی منجر می‌شود (کایزر، ۱۹۹۳). تمام تعاریف مفهوم سرخوردگی زناشویی با مفهوم طلاق عاطفی هم سوئی دارد. سرخوردگی زناشویی، کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی همسر است که با احساس بیگانگی به علاقه‌مندی و بی‌تفاوتی زوجین با یکدیگر و جایگزین کردن عواطف منفی به جای عواطف مثبت همراه می‌باشد که این سرخوردگی در نوع شدید منجر به فروپاشی رابطه می‌شود (کوهی، اعتمادی و فاتحی‌زاده، ۱۳۹۳). در نتیجه سرخوردگی زناشویی یکی دیگر از عوامل مهم در گرایش به طلاق زوجین، بالاخص مردان می‌باشد. چرا که مردان با توجه به ویژگی‌های فیزیولوژیک خود و نیاز جنسی بالاتری که نسبت به زنان دارند، در زندگی زناشویی، انتظار برآورده شدن نیازهای جنسی خویش را از همسران خود دارند، اما زنان با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم و مسائل اسلامی حاکم بر جامعه، به صورت کامل نیازهای جنسی همسران خود را برآورده نمی‌کنند. در نتیجه مردان دچار سرخوردگی زناشویی شده و بنابراین با گذشت زمان و تکرار این موارد، گرایش به طلاق در بین آنها افزایش می‌یابد. از سویی دیگر اکثر تحقیق‌های این چینی برای زنان انجام یافته است و مشکلات مردان در زندگی زناشویی تا حدودی کم ارزش تلقی شده است.

2. Marital disaffection

1. Burnout

شرکت کننده در دوره‌های آموزشی مبتنی بر باورهای ارتباطی جهت آگاه‌سازی و رضایت زناشویی والدین، دارای باورهای ارتباطی مناسب، سطح رضایت زناشویی بالاتر و در نتیجه آگاهی و اثربخشی بیشتری در مقایسه با والدین دیگر می‌باشند. با توجه به نتایج تحقیقات مطروح، یکی از عوامل مهمی که گرایش به طلاق را در زوجین بالاخص مردان را کاهش می‌دهد، عدم دارا بودن باورهای غیرمنطقی ارتباطی در زندگی زناشویی است.

مهدیزادگان، برکت و گلپور (۱۳۹۵) مطالعه‌ای با موضوع مقایسه عملکرد جنسی مردان عادی با مردان در آستانه طلاق شهر اصفهان انجام داد و نتایج نشان داد که در میل، در تحریک روانی، در ارگاسم ($p=0/001$)، در رضایت‌مندی و در درد بین مردان گروه در آستانه طلاق و گروه عادی تفاوت معناداری وجود دارد، اما در رطوبت، بین مردان دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد. همیپتور در تحقیق فروتن و میلانی (۱۳۸۷) در خصوص شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مجتمع قضایی خانواده به مجتمع‌های قضایی شهر تهران نتایج نشان داد که ۶۶/۷ درصد مردان از زندگی جنسی با همسرانشان راضی نبودند. از نظر میزان عملکرد جنسی، مردان ۷۱/۲ درصد در حد خوب، ۲۳/۱ درصد در حد متوسط و ۵/۸ درصد در حد ضعیف بودند. در نتیجه با توجه به افزایش میزان طلاق در جامعه ضرورت دارد مسئولین امر نسبت به این موضوع توجه بیشتری داشته باشند، بخصوص که بیشتر متقاضیان طلاق به علت وجود حجب و حیا از بیان مشکلات جنسی خود به عنوان یکی از دلایل طلاق شرم دارند. نتایج بدست آمده از تحقیق محمدصادق، کلانترکوشه و نعیمی (۱۳۹۷) نشان دهنده آن بود که اختلالات عملکرد جنسی، یکی از عوامل مؤثر بر طلاق و رضایت‌مندی جنسی نیز یکی از مؤثرترین عوامل برای نادیده گرفتن و حل اختلافات در زندگی و روابط زناشویی به شمار می‌رود. رضائیان، معصومی و حسینیان (۱۳۹۶) نیز دریافته‌اند، میزان رضایت جنسی زوجین، تعیین کننده‌های گرایش یا عدم گرایش زوجین به سمت طلاق می‌باشند. نتایج مطالعه بررسی‌های صورت گرفته توسط اومورو (۲۰۱۸) نیز نشان دهنده آن بود که در کنار دلایل عدیده‌ای که منجر به طلاق زوجین می‌گردند، عمده‌ترین علل گرایش زوجین به طلاق شامل عملکرد جنسی نامناسب بوده است. پیامدهای بروز چنین مشکلاتی در زندگی مشترک، مشکلات روانی زیانباری را در پی داشته است. در نتیجه یکی از عوامل مهمی که گرایش به طلاق را در زوجین را

در نتیجه یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار در گرایش به طلاق زوجین، سرخوردگی زناشویی می‌باشد.

نتایج بدست آمده در مطالعه رضوانی و صائمی (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که با افزایش خود تمایز یافتگی و کاهش نوروگرای، میزان طلاق عاطفی در زوجین کاهش می‌یابد. همچنین میانگین بالای نمره کسب شده در طلاق عاطفی، علائم طلاق عاطفی در میان پاسخ‌گویان مشهود می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد دوره‌های آموزشی در رابطه با صفات روانی مخرب نوروگرای و عواقب آن برای دانشجویان برگزار گردد. در همین زمینه یافته‌های سوری، کریمی نژاد، قنبری و کریمی (۱۳۹۵) گویای این است که از میان مؤلفه‌های تمایز یافتگی، گسلس عاطفی و واکنش عاطفی به شکل مثلث و معنادار ($p>0/001$) جایگاه من به شکل منفی و معنادار ($p<0/001$) و هوش معنوی به شکل منفی و معناداری ($p<0/001$) قادرند که طلاق عاطفی را پیش‌بینی کنند. در همین رابطه نتایج بدست آمده در مطالعه لطیفیان و فخاری (۱۳۹۳) حاکی از آن بود که تمایز یافتگی در رابطه با الگوهای ارتباطی خانواده و سلامت روانی، نقش واسطه‌ای را کامل ایفا می‌کند. همچنین تیم و کیلی (۲۰۱۱) دریافته‌اند، تمایزات فردی با روابط جنسی رابطه معنی‌داری داشته است و در نهایت با میزان رضایت جنسی و زناشویی رابطه مثبت و معنی‌داری نشان داده است. همیپتور بررسی جانسون (۲۰۱۶) نشان داده است که زوجین همواره باید به عنوان حامی قوی‌ای برای شریک زندگی خود همواره در تمام لحظات حضور داشته باشند. زمانی که به شریک خود به میزان کافی اهمیت می‌دهید، رضایت وی را جلب کرده و در نتیجه روابط صمیمانه و بهتری خواهید داشت. براساس نتایج پژوهش‌های مورد مطالعه، یکی از عوامل مهمی که گرایش به طلاق را در زوجین بالاخص مردان را افزایش می‌دهد، عدم توجه به تمایزات فردی در زندگی زناشویی است.

یافته‌های موهلاتول، سیهول و سیریندی (۲۰۱۷) نشان دهنده آن بود که عدم ارتباط و یا ارتباط نادرست به طور مستقیم و معنی‌داری با میزان گرایش به طلاق زوجین جوان مورد مطالعه رابطه داشته‌اند. همچنین صیدی، نظری و ابراهیمی (۱۳۹۴) در پژوهش خود باور به تقدس ازدواج، مخرب بودن مخالفت و عدم تغییر همسر، کمال‌گرایی جنسی و ذهن‌خوانی با واسطه کیفیت ارتباط و سن، خرسندی زناشویی را به طور معنی‌داری پیش‌بینی نمودند. در همین رابطه نتایج پژوهش‌های گریمالدی (۲۰۱۷) نشان دهنده آن بود که والدین

غلط=۱، شاید غلط=۲، شاید درست=۳، درست=۴، کاملاً درست=۵) بوده و هدف آن ارزیابی میزان باورهای ارتباطی غیر منطقی در رابطه زناشویی در پنج بعد ۱. باور به مخرب بودن مخالفت ۲. توقع ذهن خوانی ۳. باور به عدم تغییر پذیری همسر ۴. کمال گرایی جنسی ۵. باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی است. جمع گویه‌های ۴۰ گانه نمره کل باورهای غیرمنطقی ارتباطی را تشکیل می‌دهند. دامنه نمره بین صفر تا ۲۰۰ می‌باشد. نمره بین ۰ تا ۶۶: بیانگر باورهای غیرمنطقی ارتباطی ضعیف در فرد است. نمره بین ۶۶ تا ۱۰۰: بیانگر باورهای غیرمنطقی ارتباطی متوسط در فرد است. نمره بالاتر از ۱۰۰: بیانگر باورهای غیرمنطقی ارتباطی قوی در فرد می‌باشد. آیدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲) دریافتند که نمره‌های این پرسشنامه با باورهای عمومی که توسط تست باورهای غیر منطقی جونز (جونز، ۱۹۶۸) اندازه‌گیری شده بود همبستگی مثبت داشت. آیدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲) در تحقیق خود نشان دادند که پایایی این آزمون با آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌ها از دامنه ۷۲ تا ۸۱ درصد است و هر ۵ خرده مقیاس رابطه معناداری با سازگاری زناشویی دارند (مظاهری، ۱۳۸۱). و پایایی بازآزمایی ۷۶ درصد بود (بوشمن، ۱۹۹۸؛ به نقل از عبدالمحمدی، ۱۳۸۵). نسخه فارسی این ابزار را مظاهری و پور اعتماد ترجمه کرده‌اند. در پژوهشی که مظاهری استفاده کرده آلفای کرونباخ محاسبه شده ۰/۷۵ بود. مقدار پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ برای زنان ۰/۹۱ بدست آمد.

پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI): پرسشنامه تمایز یافتگی خود در قالب ۴۶ گویه در مقیاس شش گزینه‌ای طیف لیکرت (ابدأ در موذر من صحیح نیست=۱، صحیح نیست=۲، تا حدی صحیح نیست=۳، تا حدی صحیح است=۴، صحیح است=۵، کاملاً در مورد من صحیح است=۶) بوده و هدف آن ارزیابی میزان تمایز یافتگی خود در رابطه زناشویی در چهار بعد: ۱. واکنش پذیری عاطفی ۲. جایگاه من ۳. گریز عاطفی ۴. هم آمیختگی با دیگران است. جمع گویه‌های ۴۶ گانه نمره کل تمایز یافتگی فرد را تشکیل می‌دهند. دامنه نمره در این پرسشنامه بین ۴۶ تا ۲۷۶ می‌باشد. نمره بین ۴۶ تا ۱۱۵: میزان تمایز یافتگی افراد پایین است. نمره بین ۱۱۵ تا ۱۶۱: میزان تمایز یافتگی افراد متوسط است. نمره بالاتر از ۱۶۱: میزان تمایز یافتگی افراد بالا است. به منظور اطمینان از قابلیت اعتماد پرسشنامه تمایز یافتگی خود از ۱۰ نفر از صاحب نظران در این زمینه نظر خواهی شد که قابلیت اعتماد محتوایی این ابزار را مورد تأیید قرار دادند. ضریب

افزایش می‌دهد، دارا بودن عملکرد جنسی نامناسب در زندگی زناشویی است. در نتیجه با توجه به فقدان پیشینه‌ای کاملاً مرتبط با موضوع پژوهش حاضر، در این پژوهش به اثر متغیرهای مستقل باورهای غیرمنطقی باورهای ارتباطی و تمایز یافتگی فردی با نقش واسطه‌ای عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی در گرایش به طلاق مردان پرداخته شده است. در نتیجه عمده‌ترین سؤالی که به ذهن محقق متبادر می‌گردد اینست که آیا بین باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی با واسطه‌گری عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی با گرایش به طلاق مردان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران رابطه معنی داری وجود دارد؟

روش

روش تحقیق پیمایشی از نوع همبستگی و تحلیلی بود. جامعه آماری شامل مردان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره در سطح شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بود که ابتدا به صورت تصادفی خوشه‌ای ۵ مرکز مشاوره فعال در خصوص خانواده؛ در شمال - جنوب - شرق - غرب و مرکز شهر تهران انتخاب و در ادامه به صورت تصادفی در دسترس ۲۵۰ نفر (هر مرکز ۵۰ نفر) از مردان مورد مطالعه قرار گرفتند و پس از شناسایی پرسشنامه‌های مخدوش، در نهایت با ۲۴۰ پرسشنامه صحیح، ادامه تحقیق انجام پذیرفت. ملاک ورود به پژوهش عبارت بود از، رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش - سواد خواندن و نوشتن داشته باشند و افرادی که حداقل دو سال از زندگی مشترکشان می‌گذرد، ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و اقدام حقوقی برای طلاق بود. به منظور رعایت اصول اخلاقی در مورد محرمانه بودن اطلاعات به نمونه‌های پژوهش اطمینان داده شد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ استفاده شد. به طوری که برای یافته‌های توصیفی از توزیع پراکندگی و برای آزمون فرضیه‌ها نیز ابتدا از ماتریس ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و واسطه‌ای با متغیر وابسته استفاده شد. در ادامه از آزمون‌های رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر جهت ارائه مدل علی گرایش به طلاق استفاده شد.

ابزار

پرسشنامه باورهای غیرمنطقی ارتباطی: پرسشنامه باورهای غیرمنطقی ارتباطی توسط آیدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲) در قالب ۴۰ گویه در مقیاس شش گزینه‌ای طیف لیکرت (کاملاً غلط= صفر،

باشد. قابل به ذکر است سؤال ۵ برعکس نمره گذاری می‌شود. در پژوهش برقی ایرانی (۱۳۹۲) اعتبار محتوای این پرسشنامه توسط اساتید راهنما و مشاور و چند تن از افراد صاحب نظر مورد تأیید قرار گرفته است و از اعتبار لازم برخوردار می‌باشد. قابلیت اعتماد یا پایایی یک ابزار عبارت است از درجه ثبات آن در اندازه‌گیری هر آنچه اندازه می‌گیرد یعنی اینکه ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش برقی ایرانی (۱۳۹۲) پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۸۵/۸۵ درصد ذکر شده است. مقدار پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ برای مردان ۰/۹۱ بدست آمد.

پرسشنامه گرایش به طلاق روزلت، جانسون و مورو: پرسشنامه استاندارد میل به طلاق روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸۶)؛ به نقل از قادر پور، (۱۳۹۳) در دو بعد ۱. تمایل برای خارج شدن (متماثل به طلاق) ۲. بعد تمایل به مسامحه می‌باشد. این پرسشنامه دارای ۱۴ گویه در مقیاس هفت گزینه‌ای طیف لیکرت (هرگز=۱، بندرت=۲، خیلی کم=۳، کم=۴، زیاد=۵، خیلی زیاد=۶، همیشه=۷) می‌باشد. دامنه نمره بین ۱۴-۹۸ می‌باشد. نمره بین ۱۴-۳۳ میزان گرایش در حد پایین به طلاق، نمره بین ۳۳-۶۶ میزان گرایش در حد متوسط به طلاق، نمره بین ۶۶-۹۸ میزان گرایش در حد بالا به طلاق را در بین زوجین نشان می‌دهد. در پژوهش قادرپور (۱۳۹۳) به منظور بررسی قابلیت اعتماد (محتوایی) پرسشنامه مذکور از تنی چند از اساتید و صاحب نظران راجع به محتوای آن سؤال شد و با اعمال تغییرات پیشنهادی ایشان، تأیید نظر ایشان مبنی بر روا بودن ابزار اخذ شد. وی همچنین برای تعیین پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده کرد که برای بعد خارج شدن (۰/۹۱) و برای بعد مسامحه (۰/۸۶) مقدار پایایی بدست آمد. مقدار پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ برای مردان برابر ۰/۹۱ بدست آمد.

یافته‌ها

بر اساس اطلاعات جدول ۱ میانگین نمره باورهای غیرمنطقی ارتباطی مردان مورد مطالعه ۱۴۵/۳۸ با انحراف استاندارد ۲۲/۹۷ می‌باشد. در نتیجه وضعیت باورهای غیرمنطقی ارتباطی در بین مردان بالا و نامناسب می‌باشد. میانگین نمره تمایز یافتگی فردی مردان ۱۹۵/۸۶ با انحراف استاندارد ۲۷/۸۶ می‌باشد. در نتیجه توانایی تمایز یافتگی فردی در بین مردان در سطح بالا و مناسب می‌باشد. میانگین نمره عملکرد جنسی مردان ۵۴/۲۲ با انحراف استاندارد ۱۶/۶۳ می‌باشد. در

آلفای گزارش شده توسط پلج - پوپکو که در سال ۲۰۰۴ انجام گرفت؛ ۰/۸۶ است (به نقل از ثنائی و همکاران، ۱۳۸۷). مقدار پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ برای زنان ۰/۹۱ بدست آمد.

مقیاس سرخوردگی زناشویی (MDS): مقیاس سرخوردگی زناشویی (MDS) توسط نیهوس و بارتل (۲۰۰۶) در مقیاس هفت گزینه‌ای طیف لیکرت (کاملاً مخالف=۱، تا حدودی مخالف=۲، مخالف=۳، نه موافق و نه مخالف=۴، موافق=۵، تا حدی موافق=۶، کاملاً موافق=۷) بوده و میزان استدلال آنها در ساخت این مقیاس آن بود که اولاً سرخوردگی زناشویی، یک پیشین قوی برای طلاق است و ثانیاً مقیاسی برای سنجشان وجود ندارد. جمع نمرات ۱۶ گانه نمره سرخوردگی زناشویی را نشان می‌دهد. دامنه نمره بین ۱۶ تا ۱۱۲ می‌باشد. هر چه نمره بالاتر باشد، نشان دهنده سرخوردگی زناشویی بالا و در واقع روابط با حالت منفی بین زوجین می‌باشد. نمره بین ۱۶-۴۲ نشان دهنده سطح سرخوردگی پایین، نمره بین ۴۲-۴۶ نشان دهنده سطح سرخوردگی متوسط و نمره بین ۴۶-۱۱۲ نشان دهنده سطح سرخوردگی بالا می‌باشد. در پژوهش نیهوس و بارتل (۲۰۰۶) مقیاس مورد نظر همسانی درونی بالایی نشان داد. مقدار پایایی این مقیاس توسط آنها با استفاده از آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۶ بدست آمد. در ایران سیدعلی تبار و همکاران (۲۰۱۶) پایایی پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۲ بدست آوردند. مقدار پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ برای زنان ۰/۹۷ بدست آمد.

پرسشنامه عملکرد جنسی مردان روزن و همکاران (۲۰۰۰): شاخص عملکرد جنسی مردان با ۱۵ سؤال، عملکرد جنسی مردان را در ۵ حوزه مستقل عملکرد نعوظی، عملکرد رسیدن به لذت نهایی، تمایل جنسی، رضایت بخش بودن مقاربت و رضایت بخش بودن کل عملکرد جنسی می‌سنجد. این پرسشنامه در مقیاس شش گزینه‌ای طیف لیکرت (فعالیت جنسی نداشتم= صفر، خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) بوده و میزان رضایت از عملکرد جنسی مردان را نشان می‌دهد. دامنه نمره بین صفر تا ۷۵ می‌باشد. نمره بالاتر نشان دهنده عملکرد جنسی بالاتر مردان می‌باشد. نمره بین ۱۵-۲۵ نشان دهنده میزان عملکرد جنسی مردان در حد پایین، نمره بین ۲۵-۵۰ نشان دهنده میزان عملکرد جنسی مردان در حد متوسط، نمره بین ۵۰-۷۵ نشان دهنده میزان عملکرد جنسی مردان در حد بالا می‌

نتیجه وضعیت گرایش به طلاق مردان در سطح متوسط می‌باشد. سؤال تحقیق: آیا باورهای غیرمنطقی ارتباطی، تمایز یافتگی فردی، عملکرد جنسی، سرخوردگی زناشویی مردان با گرایش به طلاق آنها رابطه دارد؟

نتیجه وضعیت عملکرد جنسی مردان در سطح بالا و مناسب می‌باشد. میانگین نمره سرخوردگی زناشویی مردان مورد مطالعه ۵۹/۰۵ با انحراف استاندارد ۱۱/۵۶ می‌باشد. در نتیجه وضعیت سرخوردگی مردان در سطح بالا و نامناسب می‌باشد. میانگین نمره گرایش به طلاق مردان مورد مطالعه ۵۱/۳۴ با انحراف استاندارد ۱۰/۷۲ می‌باشد. در

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر
متغیرهای مستقل	۲۴۰	۱۴۵/۳۸	۲۲/۹۷	-۱/۹۶	۲۵	۲۰۰
باورهای غیرمنطقی ارتباطی	۲۴۰	۱۹۵/۸۶	۲۷/۸۶	-۱/۷۴	۴۶	۲۳۶
تمایز یافتگی فردی	۲۴۰	۵۴/۲۲	۱۶/۶۳	۱/۳۲	۱۰	۷۵
عملکرد جنسی	۲۴۰	۵۹/۰۵	۱۱/۵۶	-۰/۶۲	۱۸	۸۸
سرخوردگی زناشویی	۲۴۰	۵۱/۳۴	۱۰/۷۲	-۰/۹۵	۱۶	۷۳
متغیرهای واسطه‌ای						
متغیر وابسته						

متغیرهای تحقیق	باورهای غیرمنطقی ارتباطی		تمایز یافتگی فردی		عملکرد جنسی		سرخوردگی زناشویی		گرایش به طلاق	
	r	P	r	P	r	P	r	P	r	P
باورهای غیرمنطقی ارتباطی	-		۱	۰/۰۲	۰/۱۴	۰/۲۶	۰/۰۷	۰/۲۳	۰/۳۴	۰/۰۰۰
تمایز یافتگی فردی	۰/۱۴	۰/۰۲	-		۱	۰/۰۰۰	۰/۲۴	۰/۱۸	-۰/۱۸	۰/۰۰۴
عملکرد جنسی	۰/۰۷	۰/۲۶	۰/۲۴	۰/۰۰۰	-		۱	۰/۱۵	-۰/۲۵	۰/۰۰۰
سرخوردگی زناشویی	۰/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۵	۰/۱۵	-	۱	۰/۸۲	۰/۰۰۰
گرایش به طلاق	۰/۲۴	۰/۰۰۰	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۳	۰/۲۳	۰/۸۲	۰/۰۰۰

با توجه به اطلاعات جدول ۲ ملاحظه می‌شود که بین باورهای غیرمنطقی ارتباطی با گرایش به طلاق مردان رابطه مستقیم و ضعیف معنی داری وجود دارد ($r=0/24$ ، $p=0/000$)؛ بین تمایز یافتگی فردی مردان با گرایش به طلاق رابطه معکوس و خیلی ضعیف معنی داری وجود دارد ($r=-0/18$ ، $p=0/004$)؛ بین عملکرد جنسی با گرایش به طلاق رابطه معکوس و ضعیف معنی داری وجود دارد ($r=0/25$ ، $p=0/000$) و نیز بین سرخوردگی زناشویی با گرایش به طلاق رابطه مستقیم و خیلی قوی معنی داری وجود دارد ($r=0/82$ ، $p=0/000$). فرضیه تحقیق: گرایش به طلاق مردان بر اساس باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی با واسطه‌ای عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی قابل تبیین است.

با توجه به اطلاعات جدول ۲ ملاحظه می‌شود که بین باورهای غیرمنطقی ارتباطی با گرایش به طلاق مردان رابطه مستقیم و ضعیف معنی داری وجود دارد ($r=0/24$ ، $p=0/000$)؛ بین تمایز یافتگی فردی مردان با گرایش به طلاق رابطه معکوس و خیلی ضعیف معنی داری وجود دارد ($r=-0/18$ ، $p=0/004$)؛ بین عملکرد جنسی با گرایش به طلاق رابطه معکوس و ضعیف معنی داری وجود دارد ($r=0/25$ ، $p=0/000$) و نیز بین سرخوردگی زناشویی با گرایش به طلاق رابطه مستقیم و خیلی قوی معنی داری وجود دارد ($r=0/82$ ، $p=0/000$). فرضیه تحقیق: گرایش به طلاق مردان بر اساس باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی با واسطه‌ای عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی قابل تبیین است.

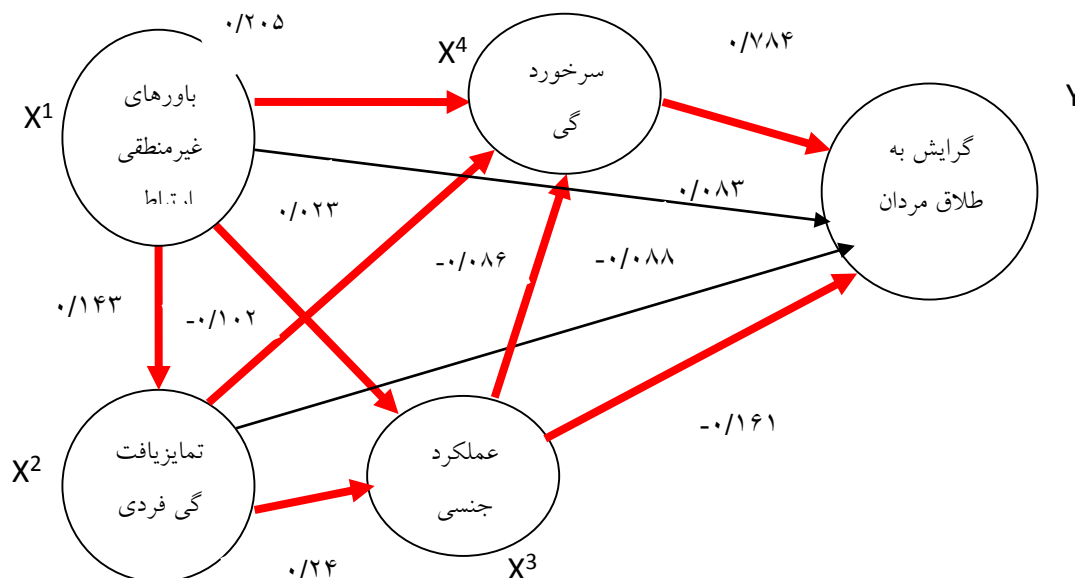
شکل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص
۱	۰/۸۵	۰/۷۲	۰/۷۱

سرخوردگی زناشویی بیشترین اثر، تمایز یافتگی فردی دومین اثر، باورهای غیرمنطقی ارتباطی سومین اثر و عملکرد جنسی کمترین اثر را در گرایش به طلاق مردان داشته است. در نتیجه برای کاهش گرایش مردان به طلاق، ابتدا می‌بایست سرخوردگی زناشویی در آنها با روش‌های مداخله‌ای آموزش و کاهش یابد. سپس توانایی درک تمایز یافتگی فردی در آن‌ها تقویت و همچنین روش‌های کاهش باورهای غیرمنطقی ارتباطی آموزش داده شود. همچنین نحوه صحیح عملکرد جنسی در آنها آموزش داده شود.

برای هر چهار عامل مورد محاسبه و سنجش قرار گرفت که یافته‌های حاصل در جداول ۴ و همچنین شکل ۱ بدست آمد. نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان در جدول ۵ می‌دهد، ضریب بتا با مقدار ۰/۲۶۱ برای باورهای غیرمنطقی ارتباطی، ۰/۳- برای تمایز یافتگی فردی، ۰/۲۲۸- برای عملکرد جنسی و ۰/۷۸۴ برای سرخوردگی زناشویی مردان می‌باشد و نشان دهنده تأثیر باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی با واسطه‌ی عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی در گرایش به طلاق مردان می‌باشد که

جدول ۴. محاسبه اثرات مستقیم و غیرمستقیم باورهای غیرمنطقی ارتباطی (X1) و تمایز یافتگی فردی (X2) با واسطه عملکرد جنسی (X3) و سرخوردگی زناشویی (X4) بر گرایش به طلاق مردان (Y)

مسیر	نوع اثر
$X1 \rightarrow Y = 0/083$	اثر مستقیم X1
$X1 \rightarrow X2 \rightarrow Y = (0/143)(-0/088) = -0/012$	اثرات غیرمستقیم X1 از طریق X2
$X1 \rightarrow X2 \rightarrow X3 \rightarrow Y = (0/143)(0/24)(-0/161) = -0/005$	مجموع اثرات غیرمستقیم X1 از طریق X2
$X1 \rightarrow X2 \rightarrow X3 \rightarrow X4 \rightarrow Y = (0/143)(0/24)(-0/086)(0/784) = -0/002$	اثرات غیرمستقیم X1 از طریق X3
$-0/012 - 0/005 - 0/002 = -0/019$	مجموع اثرات غیرمستقیم X1 از طریق X3
$X1 \rightarrow X3 \rightarrow Y = (0/37)(-0/161) = -0/003$	اثرات غیرمستقیم X1 از طریق X4
$X1 \rightarrow X3 \rightarrow X4 \rightarrow Y = (0/37)(-0/086)(0/784) = -0/002$	مجموع اثرات غیرمستقیم X1 از طریق X4
$-0/003 - 0/002 = -0/004$	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم X1
$X1 \rightarrow X4 \rightarrow Y = (0/257)(0/784) = 0/201$	اثر مستقیم X2
$-0/019 - 0/004 + 0/201 = 0/178$	اثرات غیرمستقیم X2 از طریق X3
$0/083 + 0/178 = 0/261$	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم X2
$X2 \rightarrow Y = -0/088$	اثرات غیرمستقیم X2 از طریق X4
$X2 \rightarrow X3 \rightarrow Y = (0/24)(-0/161) = -0/038$	مجموع اثرات غیرمستقیم X2 از طریق X4
$X2 \rightarrow X3 \rightarrow X4 \rightarrow Y = (0/24)(-0/086)(0/784) = -0/016$	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم X2
$-0/038 - 0/016 - 0/079 = -0/133$	اثر غیرمستقیم X2 از طریق X3
$-0/088 - 0/133 = -0/221$	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم X2
$X2 \rightarrow X4 \rightarrow Y = (-0/102)(0/784) = -0/079$	اثر غیرمستقیم X2 از طریق X3
$-0/133 - 0/079 = -0/212$	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم X2
$-0/088 - 0/212 = -0/3$	اثر مستقیم X3
$X3 \rightarrow Y = -0/161$	اثر غیرمستقیم X3
$X3 \rightarrow X4 \rightarrow Y = (-0/086)(0/784) = -0/067$	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم X3
$-0/161 - 0/067 = -0/228$	اثر مستقیم X4
$X4 \rightarrow Y = 0/784$	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم X4
$0/784$	



مدل ۱. تبیین گرایش به طلاق مردان بر اساس باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی با واسطه‌ی عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی

جدول ۵. تأثیر متغیرهای مستقل باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی و واسطه‌ای عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی بر متغیر گرایش به طلاق مردان از طریق تحلیل مسیر			
متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
باورهای غیرمنطقی ارتباطی	۰/۰۸۳	۰/۱۷۸	۰/۲۶۱
تمایز یافتگی فردی	-۰/۰۸۸	-۰/۲۱۲	-۰/۳
عملکرد جنسی	-۰/۱۶۱	-۰/۰۶۷	-۰/۲۲۸
سرخوردگی زناشویی	۰/۷۸۴	---	۰/۷۸۴

بحث و نتیجه گیری

مهمترین عوامل مستقیم تاثیر گذار در طلاق عاطفی و گرایش به طلاق زوجین می‌باشد. لذا در صورت بروز مصادیق سرخوردگی نظیر کاهش تدریجی دل‌بستگی عاطفی همسر، احساس بیگانگی، بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی زوجین با یکدیگر، جایگزین کردن عواطف منفی به جای عواطف مثبت و احساس ناامیدی، عدم تطابق دیدگاه فرد هنگام ازدواج با زندگی واقعی زوجین بعد از ازدواج، احساس سردی همسر، احساس زندگی با اجبار و در نهایت بریدگی نسبت به همسر و ازدواج، گرایش زوجین به طلاق افزایش می‌یابد. اگر عدم تمایز یافتگی فردی، فرایف باورهای غیرمنطقی ارتباطی و عملکرد جنسی نامناسب نیز در کنار احساس سرخوردگی مردان وجود داشته باشد. گسیختگی ازدواج و در نهایت طلاق زوجین رقم خواهد خورد. نتایج بدست آمده بهمنی و همکارانش (۱۳۹۶) نیز حاکی از این بود که سرخوردگی زناشویی تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای مداخله‌گر، روانشناختی و تمایزات شخصیتی قرار دارد و مشاوره زوجی مبتنی بر مدل سرخوردگی کایزر می‌تواند در کاهش سرخوردگی زناشویی

پژوهش حاضر با هدف تبیین گرایش به طلاق مردان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره سطح شهر تهران در سال ۱۳۹۸ از روی باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی با نقش واسطه‌ای عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی انجام پذیرفت. نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی و همچنین عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی مردان مورد مطالعه داشت. نتایج رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر نشان داد این عوامل به میزان ۷۱٪ گرایش به طلاق مردان مورد مطالعه را تبیین می‌کنند که سرخوردگی با شدت بسیار بیشتری نسبت به سایر متغیرها با بتای ۰/۷۸۴ بیشترین تأثیر را و تمایز یافتگی فردی نیز با بتای ۰/۳- دومین تأثیر را و باورهای غیرمنطقی ارتباطی نیز با بتای ۰/۲۶ سومین تأثیر و نیز عملکرد جنسی با ۰/۲۲۸- کمترین تأثیر را در گرایش به طلاق مردان مورد مطالعه نشان داد. با توجه به اینکه سرخوردگی یکی از

یکدیگر انتظارات نابه‌جا داشته و و این امر باعث کمال‌گرایی در رفع نیازهای جنسی و سایر نیازهای عاطفی در رابطه با همسر می‌شود. در نتیجه تأثیر اینگونه باورهای غیرمنطقی در روابط با همسر، بالاخص از سوی زنان موجب دلزدگی مردان شده و گرایش به جدایی و طلاق را در بین آنها افزایش می‌دهد. نتایج تحقیق حاضر همسو با نتایج تحقیقات موهلاتلول و همکاران (۲۰۱۷)، صیدی، نظری و ابراهیمی (۱۳۹۴)، رشید و مرادی (۱۳۹۶) می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش‌های گریمالدی (۲۰۱۷) نشان داد که والدین شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی مبتنی بر باورهای ارتباطی جهت آگاه‌سازی و رضایت زناشویی، دارای باورهای ارتباطی مناسب، سطح رضایت زناشویی بالاتر و در نتیجه آگاهی و اثربخشی بیشتری در مقایسه با سایر والدین بودند. در نتیجه آموزش باورهای منطقی ارتباطی نظیر باور به مخرب بودن مخالفت با همسر، توقع ذهن‌خوانی، باور به عدم تغییرپذیری همسر و باور به وجود تفاوت‌های جنسیتی در کنار عدم کمال‌گرایی جنسی به زوجین قبل و هنگام ازدواج می‌تواند در کاهش گرایش به طلاق در سال‌های اول زندگی زوجین اثرگذار باشد.

علاوه بر متغیرهای تاثیرگذار مطرح، عملکرد نامناسب جنسی مردان نیز در گرایش به طلاق آنها مؤثر است. با توجه به اینکه رفتارهای جنسیتی در کنار روابط عاطفی و حتی قوی‌تر از آنها می‌تواند در تحکیم صمیمیت و روابط زوجین اثرگذار باشد. از سوی دیگر طبق دیدگاه نظریه پردازان مشهوری همچون مازلو در سلسله مراتب نیازهای افراد، رفع نیازهای جنسی یکی از مهمترین نیازهای افراد در زندگی می‌باشند. لذا عدم توان زوجین در رفع این نیاز در زندگی زناشویی حقیقتاً می‌تواند سردی و عدم علاقه را گسترش دهد و میل به جدایی را در بین آنها تقویت کند. بالاخص در جامعه ایرانی که محدودیت‌های روابط جنسی و احساس خجالت در بین زنان در جامعه وجود دارد. لذا عدم توانایی زوجین در برطرف نمودن این خواسته جسمانی و رفتاری می‌تواند گرایش به جدایی را در بین آنها افزایش دهد. همسو با نتایج پژوهش حاضر، نتایج تحقیقات مهدی-زادگان و همکاران (۱۳۹۵)، فروتن و میلانی (۱۳۸۷)، محمدصادق و همکاران (۱۳۹۷)، رضائیان و همکاران (۱۳۹۶) و همچنین اومورو (۲۰۱۸) نشان دهنده آن بود که اختلالات عملکرد جنسیتی، یکی از عوامل گرایش به طلاق و رضایت‌مندی جنسی نیز یکی از مؤثرترین عوامل برای نادیده گرفتن و حل اختلافات در زندگی و روابط زناشویی به شمار می‌رود. در نتیجه برای دستیابی به زندگی مستحکم

اثربخش باشد. همچنین از نظر فراهانی (۱۳۹۷) شناخت هر چه بیشتر نسبت به خود و نیز دلسوزی و شفقت به خود می‌تواند اثر سرخوردگی زناشویی و سردی رابطه زناشویی را بر طلاق عاطفی تا حد زیادی تعدیل کند. در نتیجه یکی از روش‌های کاهش گرایش به طلاق مردان بی‌شک سرخوردگی در زندگی زناشویی آنها می‌باشد. اما در کنار سرخوردگی زناشویی، عدم تمایز یافتگی مردان نیز موجب گرایش به طلاق آنها شد. با توجه به اینکه زوجی که تازه ازدواج می‌کنند، از دو خانواده با دو فرهنگ اجتماعی، فرهنگی و حتی شخصیتی جداگانه هستند، می‌بایست زندگی جدید متشکله را با زندگی خانه پدری‌شان مقایسه نکنند و انتظار آنچه که در آنجا اتفاق می‌افتاد را نداشته باشند. طبق نظر میزر (۲۰۱۱) عدم تمایز یافتگی فردی شامل مؤلفه‌های جایگاه من به معنای داشتن حس روشنی از خود و استقلال در افکار و باورها است و واکنش‌پذیری عاطفی به غلبه احساس‌های فرد بر عقل و منطق‌اش و پاسخ‌گویی بر پایه هیجان-ها اشاره دارد. هم آمیختگی با دیگران اشاره به از دست دادن استقلال خود و انحلال و هم آمیختگی در طی روابط صمیمانه با دیگران، به خصوص افراد مهم زندگی دارد. گسلسش عاطفی نیز بیانگر نوعی احساس تهدید و آسیب‌پذیری در روابط و بعضاً تمایل به اتخاذ رفتارهای دفاعی مانند فاصله گرفتن ناگهانی رابطه و انکار اهمیت رابطه با دیگران است. همسو با نتایج این پژوهش، نتایج تحقیقات رضوانی و صائمی (۱۳۹۸)، سوری و همکاران (۱۳۹۵)، لطیفیان و فخاری (۱۳۹۳)، تیم و کیلی (۲۰۱۱) و جانسون (۲۰۱۶) نشان دهنده تأثیر تمایز یافتگی فردی در کاهش گرایش به طلاق و بالعکس می‌باشد. در نتیجه جهت گسترش تمایز یافتگی فردی نیز لازم است زوجین بر پایه عقل و منطق و بدور از غلبه‌ی احساسات هیجانی از آمیختگی زن و شوهر در مواقع بحرانی جلوگیری کنند و مشکلات موجود در رابطه را، با عقل و منطق و نه بر اساس واکنش‌پذیری‌های هیجانی و احساسی، در روابط با یکدیگر رفع کنند و از گرایش به طلاق دوری جویند. اما در کنار سرخوردگی زناشویی و عدم تمایز یافتگی فردی، باورهای غیرمنطقی ارتباطی نیز موجب گرایش به طلاق آنها شد. با توجه به اینکه چگونگی باورهای ارتباطی به صورت مستقیم می‌تواند در نگرش زوجین به یکدیگر در تمامی موارد رفتاری، عاطفی، شخصیتی و جنسیتی تأثیرگذار باشد. در نتیجه وجود باورهای غیرمنطقی ارتباطی در زوجین مخرب بوده که موجب می‌شود بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های جسمانی و رفتاری، از

ابراهیمی سیریزی، پژمان؛ افشانی، سید علیرضا و حسنی درمیان، علی (۱۳۹۷). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پرایش به طلاق در شهر یزد (مورد مطالعه: سالهای ۱۳۹۴-۱۳۹۵). دومین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای علوم انسانی.

اسماعیل پور، خلیل؛ خواجه، وجیهه و مهدوی، نفیسه (۱۳۹۲). پیش‌بینی رضایت زناشویی همسران بر اساس باورهای ارتباطی و مهارت‌های ارتباطی. *خانواده پژوهی*، ۹(۳۳)، ۴۴-۲۹.

امین، محبوبه (۱۳۹۳). پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی و اخلاقیت هیجانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بجنورد، دانشکده علوم انسانی و هنر.

بخارایی، احمد (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران*. تهران: پژوهاک جامعه.

برقی ایرانی، زیبا (۱۳۹۲). *اثربخشی شناخت - رفتار درمانگری سالمندی (CBTO) بر بهبود نشانه‌های مرضی، همبسته‌های شناختی و برخی رفتارهای مرتبط با سلامت در مبتلایان به بیماری پارکینسون (PD)*.

دانشگاه پیام‌نور دانشکده تحصیلات تکمیلی رساله برای دریافت مدرک دکتری تخصصی (Ph.D) در رشته روانشناسی عمومی.

برناردز، جان (۱۳۸۴). *درآمدی به مطالعات خانواده*. ترجمه: حسین قاضیان، تهران: نشر نی.

بهمنی، نگار؛ اعتمادی، عذرا؛ احمدی، سیداحمد و مریم، فاتحی‌زاده (۱۳۹۷). اثربخشی مشاوره زوجی مبتنی بر مدل سرخوردگی کایزر بر کاهش سرخوردگی زناشویی. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۱۴(۵۴)، ۱۹۹-۱۸۳.

بهمنی، نگار؛ اعتمادی، عذرا؛ احمدی، سیداحمد و مریم، فاتحی‌زاده (۱۳۹۶). *کشف عوامل مؤثر بر سرخوردگی زناشویی زوجین ایرانی: یک مطالعه کیفی*. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۵(۴)، ۴۷۳-۴۶۷.

ثنایی، باقر و همکاران (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. انتشارات بعثت.

دهقان طرزجانی، ابولفضل (۱۳۹۵). *بررسی رابطه باورهای ارتباطی غیرمنطقی و دلزدگی زناشویی: نقش واسطه‌ای ذهن‌آگاهی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

دیواندری، حسن (۱۳۷۸). *بررسی استرس‌ورهای روانی - اجتماعی محور چهارگانه DSM-IV در دانشجویان دانشگاه سبزوار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

رشید، خسرو و مرادی، آزاده (۱۳۹۶). *تعیین نقش متغیرهای ارتباطی در پیش‌بینی طلاق عاطفی*. *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی*

در بین زوجین می‌بایست چگونگی روابط جنسی که از مباحث بسته و غیر قابل بررسی و آموزش در مدارس و دانشگاه‌های داخل کشور می‌باشد به دختران و پسران در دوران نوجوانی و جوانی در سطوح درسی مدارس و دانشگاه‌ها به صورت جدی آموزش داده شود. از جمله محدودیت‌های این پژوهش این است که نتایج و یافته‌های بدست آمده تنها قابل کاربرد در جامعه آماری پژوهش حاضر می‌باشد و نمی‌توان آن را به جامعه آماری دیگر تعمیم داد. همچنین در این پژوهش امکان مهارگری متغیرهایی مثل ویژگی‌های فرهنگی و شخصیتی گروه مورد مطالعه وجود نداشت. با توجه به نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر، برای کاهش گرایش به طلاق زوجین بالاخص مردان که دارای احساس غرور و وجهه خاصی در مقابل زنان هستند، می‌بایست آموزش‌های پایه‌ای در دوران مدرسه و ادامه آن در دانشگاه برای دانش‌آموزان و دانشجویان برنامه‌ریزی گردد تا برای امر مقدس «ازدواج» دختران و پسران ابتدا به تفاوت‌های جنسیتی و فیزیولوژیک، تفاوت‌های عاطفی، رفتاری و شخصیتی جنس مخالف شناخت پیدا کرده و روش‌های چگونگی تعامل و برقراری ارتباط را آموزش ببیند. همچنین به چگونگی رفتارهای متمایز همسر که ریشه در شخصیت و فرهنگ متفاوت خانوادگی دارد شناخت پیدا کرده و انتظار همراهی و همسویی مستمر با دیدگاه‌ها و نگرش خویش از جانب همسرش را نداشته باشد. روش‌های برقراری روابط جنسی به صورت صحیح به آنها آموزش داده شود و انتظارات جنسی از طرف مقابل برای آنها توجیه گردد. در نهایت افراد به مشاوره گرفتن از مشاوران حاذق قبل و بعد از ازدواج در جهت انتخاب درست و نحوه برخورد با طرف مقابل و تصمیمات درست رفتاری در روند زندگی مشترک و همچنین در حین طلاق ترغیب گردند. با توجه به اینکه بیشتر متقاضیان طلاق به علت وجود حجب و حیا از بیان مشکلات جنسی خود به عنوان یکی از دلایل طلاق شرم دارند. لذا ضرورت دارد مسئولین امر نسبت به این موضوع توجه بیشتری داشته باشند. در نهایت مهمترین راهکار جلوگیری از گرایش زوجین به طلاق را می‌توان در ایجاد ارتباط مناسب، مشاوره و راهنمایی، در نظر داشتن آینده فرزندان و گذراندن زمان بیشتر با همسر نام برد.

منابع

آقامحمدیان، حمیدرضا؛ رضاقلی‌زاده، تکتم؛ عوضی، معصومه و پشتیبان، حبیبه (۱۳۸۲). *بررسی رضایت‌مندی زناشویی و رابطه‌ی آن با طلاق*. اولین همایش خانواده و مشکلات جنسی، تهران.

- معاصر. دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۶(۱۰)، ۱۵۱-۱۳۳.
- رضایی، حاتم. (۱۳۸۶). بررسی و مقایسه سبک‌های مقابله‌ای در مردان و زنان عادی با مردان و زنان متقاضی طلاق در شهرستان مریوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رضاییان، حمید؛ معصومی، سمیرا و حسینیان، سیمین (۱۳۹۶). بررسی و مقایسه تمایز یافتگی خود، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی در زوج‌های متقاضی طلاق توافقی و عادی. دوفصلنامه مشاوره کاربردی، ۷(۲)، ۳۲-۱۷.
- رضوانی، حورالعین و صائمی، حسن (۱۳۹۸). همبستگی تمایز یافتگی خود و نوروگرای با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر. نشریه مدیریت ارتقای سلامت، ۸(۲)، ۳۰-۲۳.
- سرمد، زهره؛ حجازی، الهه و عباس، بازرگان (۱۳۹۰). روش تحقیق در علوم رفتاری. انتشارات آگاه.
- سوری، گوهر؛ کریمی نژاد، کلثوم؛ قنبری، ولی و کریمیان، سلمان (۱۳۹۵). نقش تمایز یافتگی خود و هوش معنوی در پیش‌بینی طلاق عاطفی. اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، قم، دبیرخانه دائمی کنفرانس، https://www.civilica.com/Paper-ESCONF01-ESCONF01_521.html
- صمدی، لیلا (۱۳۹۴). پیش‌بینی طلاق بر اساس مکانیزم‌های دفاعی، تمایز یافتگی و هوش معنوی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علم و فرهنگ تهران.
- صدیدی، محمدسجاد. نظری، علی محمد و محمد، ابراهیمی (۱۳۹۴). نقش باورهای ارتباطی و معنوی در خرسندی زناشویی، ارائه یک مدل فرضی با واسطه‌گری کیفیت ارتباط و سن. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۶(۲۴)، ۱۳۰-۱۱۱.
- عباسی، زهرا (۱۳۹۶). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی و تاب‌آوری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- عبدالمحمدی، کریم (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه رابطه باورهای ارتباطی و تعارضات زناشویی در زنان و مردان مراجعه‌کننده به دادگاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- فتحی، الهام (۱۳۹۶). نگاهی آماری به وضعیت طلاق در ایران در دهه‌ی اخیر. آمار، ۵(۶)، ۳۷-۳۰.
- فراهانی، معصومه (۱۳۹۷). نقش واسطه‌ای شفقت خود و خودشناسی منسجم در رابطه بین سرخوردگی زناشویی با طلاق عاطفی در زوجهای شهر ملایر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، دانشکده علوم اجتماعی.
- فروتن، سید کاظم و جدید میلانی، مریم (۱۳۸۷). بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مجتمع قضایی خانواده. دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، ۱۶(۷۸)، ۴۴-۳۹.
- قادرپور، محی الدین (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی مشاوره‌ی گروهی مبتنی بر رویکرد ارتباطی ستیر بر فرسودگی زناشویی و میل به طلاق زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کردستان. دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی.
- کوهی، سمانه. اعتمادی، عدرا و مریم، فاتیما زاده (۱۳۹۳). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی با سرخوردگی زناشویی در زوجین. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۴(۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۳: ۸۴-۷۱.
- گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت (۱۳۹۲). خانواده درمانی. ترجمه: سیامک نقشبندی و الهام ارجمند، تهران: روان (سال تألیف به زبان اصلی، ۲۰۰۰).
- لطیفیان، مرتضی و فخاری، نرگس (۱۳۹۳). نقش میانجی‌گری تمایز یافتگی خود در رابطه با الگوهای ارتباطی خانواده و سلامت روان. فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۸(۲۶)، ۸۳-۶۵.
- محسنیان، محمد؛ کرملو، سمیرا و گنجوی، آناهیتا. (۱۳۸۶). رابطه میان تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی از متقاضیان طلاق. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۳(۱۲)، ۸۳۷-۸۲۷.
- محمدصادق، عاطفه؛ کلاتر کوشه، سیدمحمد و نعیمی، ابراهیمی (۱۳۹۷). تجربه مشکلات جنسی در زنان متقاضی طلاق و راضی از زندگی مشترک: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۷(۱)، ۴۷-۳۵.
- مظاهری، عباس (۱۳۸۱). زندگی در حیات خلوت. توسعه مدیریت، ۴(۳)، ۱۱-۱۳.
- موسوی چلک، سید حسن (۱۳۹۸). اعلام وضعیت قرمز زادواج و طلاق در کشور. برگرفته از خبرگزاری تسنیم، www.tasnimnews.com/fa/news/1398/03/25/2031804.
- مهدیزادگان، ایران؛ برکت، الهه و گلپور، محسن (۱۳۹۵). مقایسه عملکرد جنسی مردان و زنان عادی با مردان و زنان در آستانه طلاق شهر اصفهان. دانش پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱(۶۳)، ۲۴-۱۶.
- هالفورد، کیم (۱۳۸۴). زوج درمانی کوتاه مدت یاری به زوجین برای کمک به خودشان. (ترجمه: مصطفی. تبریزی، مزده. کاردانی، و

- the requirements for the degree of Master of Arts in gender and development studies of the University of Nairobi.
- Mohlatlole, N. E., Sithole, S. & hirindi, M. L. (2017). Factors contributing to divorce among young couples in Lebowakgomo. *Social work/Maatskaplike Werk*, 54(2), 256-274.
- Pinez A. (2002). *How we should do that our dream love doesn't lead to fed up*. Trans. Shadab F. Tehran, Iran: Qoqnoos Publications. [In Persian].
- Pirfalak M, Sodani M, Shafiabadi A. (2014). The efficacy of group cognitive-behavioral couple's therapy (GCBCT) on the decrease of couple burnout. *Family Counsel and Psychotherapy*, 4(2), 247-69.
- Rafaie Shirpak K, Chinichian M, Eftekhari H, Ramezankhani A. (2010). Need assessment: Sexual health education in family planning centers, Tehran, Iran. *Payesh Health Monit*, 9(3), 251-60. [In Persian].
- Robinson BE, Flowers C, Ng KM. (2006). The relationship between workaholicism and marital disaffection: Husbands' perspective. *FAM J*, 14(3), 213-20.
- Rosen, R., Brown, C., Heiman, J., Leiblum, S., Meston, C., et al. (2000). Female Sexual Function Index (FSFI): A multidimensional self-report instrument for the assessment of female sexual function. *Journal of sex & marital therap*, 26(45), 191-208.
- Sayed Alitabar SH, Mohammadalipor Z, Habibi F, Sarvestani & JavanBakht A. (2016). Investigating reliability, validity and factor structure of attitudes toward marital frustration. *J Res Health of Shahid Beheshti University*, 6(108), 342-349.
- Skoworn, E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47(2), 223-297.
- Timm, T. M. & Keiley, M. (2011). The Effects of Differentiation of Self, Adult Attachment, and Sexual Communication on Sexual and Marital Satisfaction: A Path Analysis. *Journal of sex & marital therapy*, 37(67), 121.135.
- فروغ. جعفری). تهران: انتشارات فرا روان (انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۹).
- Amato, P. R. (2010). Research on Divorce: Continuing trends and new Developments. *Journal of Marriage and Family*, 72(3), pp: 650-666.
- Asghari H. (2002). [The role of mental health on marriage and divorce]. 1st ed. Tehran: Goftego Publications. (Persian)
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Jason Aronson
- Campbell, G., Skinner, B., & Heiman, J. (2000). The high prevalence of sexual concerns among women seeking routine gynecological care. *Journal of Family Practice*, 49(7), 229-232.
- Eidelson R. J. & Epstein N. (1982). Cognition and relationship maladjustment: Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *J. consult. C/in. Psychol*, 11(2), 715-720.
- Grimaldi, J. (2017). *The Efficacy of Divorce Education: A Pilot Study Evaluating FamilyKind's Implementation of the New York State Parent Education and Awareness Program*. A Doctoral Project Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Psychology in the Department of Psychology at Pace University, New York.
- Hamamci, Z. & Esen- Coban, A. (2010). Dysfunctional relationship beliefs of late adolescence in adjustment to university. *social and behavioral sciences*, 2(2), 300-304.
- Jahanfar Sh, Molay Nejad M. (2002). [Textbook of sexual disorders]. 1st Ed Tehran: Bijeh Publication, 150-154(Persian).
- Johnson, M. D. (2016). *Predicting success and failure in relationships. Great Myths of Intimate Relationships: Dating, Sex, and Marriage*, First Edition. Wiley and Sons incorporation.
- Karimi P, Karami J, Dehghan F. (2015). Relationship between attachment styles and conflict resolution styles and married employee's marital burnout. *Journal of Women and Society*, 5(4), 53-70. [In Persian].
- Kayser K. (1993). *When Love Dies: The process of marital disaffection*. New York, NY: Guilford Press; 1993.
- Niehuis S, Bartell D. The marital disillusionment scale: Development and psychometric properties. *N Am J Psychol*, 8(1), 69-83
- Maser, M. J. (2011). *A construc validity of differentiation of self measures & their correlates*. Doctora dissertation. Seton Hall University.
- Niehuis, S. & Bartell, D. (2006). The marital disillusionment scale: Development and psychometric properties. *North Am J Psychol*, 8(1), 69-83.
- Omoror, P. M. (2018). *Investigating the causes and possible solutions of divorce in Nairobi city country, Kenya*. A project paper to the institute of Anthropology, gender and African studies in partial fulfillment of